خبر

«زن و بچه» روستایی به همراه «شوهر ستاره» در راه سینما

به گزارش اداره کل روابط عمومی سازمان سینمایی، شورای پروانه نمایش با صدور مجوز نمایش برای پنج فیلم سینمایی موافقت کرد. این آثار شامل اتاقک گلی به تهیه‌کنندگی داود صبوری و جمال شورجه و کارگردانی محمدعلی عسکری، برهوت به تهیه‌کنندگی محمد کمالی‌پور و کارگردانی منصور وثوقی، زن و بچه به تهیه‌کنندگی سیدجمال ساداتیان و کارگردانی سعید روستایی، شوهر ستاره به تهیه‌کنندگی علی اوجی و نرگس محمدی و کارگردانی ابراهیم ایرج‌زاد، و ناجورها به تهیه‌کنندگی و کارگردانی محمدحسین فرحبخش هستند. فیلم زن و بچه داستان زنی را روایت می‌کند که با ساختار مردسالار جامعه دست‌وپنجه نرم می‌کند. این فیلم پیشتر در جشنواره کن به نمایش درآمده بود و اکنون با دریافت پروانه نمایش، آماده اکران در سینماهای کشور است.



فیلم اتاقک گلی نیز که در سال ۱۴۰۱ تولید شده، داستانی عاشقانه در بستر عملیات مرصاد را روایت می‌کند و در جشنواره فیلم فجر نیز حضور داشته است. با صدور این پروانه‌ها، انتظار می‌رود تنوع ژانری و موضوعی در سینمای ایران افزایش یابد و مخاطبان با آثار متنوع‌تری مواجه شوند.

یادداشت

کیکاووس زیاری | گروه فرهنگ و هنر

رجعت هنرمندان به غزه



داستان‌هایی درباره غزه و جنگ ناعادلانه یک‌سال و نیم اخیر این منطقه، سوژه‌های اصلی دو فیلم ضدجنگ هستند که هنرمندان فلسطینی با همکاری چند کشور عربی و یاری تهیه‌کنندگان و هنرمندان مستقل روشنفکر ضدصهیونیست تهیه و کارگردانی می‌کنند. با ادامه جنگ و خونریزی و تشدید فشار بر اهالی غزه و استفاده از عنصر گرسنگی ـ که از سوی محافل جهانی به‌عنوان یک سلاح جنگی توسط ارتش اسرائیل علیه مردم بی‌دفاع غزه به‌کار گرفته شده ـ فیلمسازان فلسطینی و عرب‌زبان منطقه را به واکنش واداشته است. یکی از فیلم های جدیدی که در ارتباط با موضوع غزه وارد مرحله تولید شده «آسفالت» نام دارد که حمزه حمیدان فیلمساز در تبعید فلسطینی آن را در خاک اردن و با مشارکت هنرمندان این کشور کارگردانی می‌کند.

شخصیت محوری داستان فیلم جوانی ۲۰ ساله و مهاجری فلسطینی به نام «دبس» است که در تدارک ازدواج است. او در اردوگاهی در بقعه اردن زندگی و فعالیت می‌کند اما با شروع تجاوزات اسرائیل به غزه و کشتار مردم آن، دبس تصمیم می‌گیرد ازدواج خود را به تأخیر انداخته و راهی کمک به اهالی غزه شود. این در حالی است که خبرهای بد از راه می‌رسد و او باید شاهد مرگ تک‌تک عزیزان و افراد فامیل خود باشد. حمیدان در رابطه با فیلمش می‌گوید: «تصمیم گرفتم فیلم را در بقعه فیلمبرداری کنم که لقب بزرگ‌ترین اردوگاه پناهندگان و مهاجران را در سطح جهانی گرفته است. بسیاری از این اردوگاه به‌عنوان یک گتوی مخروبه و ویران اسم می‌برند اما اعضای خانواده و فامیل من در آنجا زندگی می‌کنند. قصدم ارائه تصویری متفاوت از این مکان است. در این مکان هم جنگی اعلام نشده وجود دارد که مسبب آن اسرائیل است.»



دومین فیلم «قلب شورشی من» نام دارد که یک مستند داستانی خواهد بود و به‌صورت مشترک توسط فلسطین، دانمارک و لبنان تولید می‌شود. داستان این فیلم هم در غزه اتفاق می‌افتد و یارا بازیگر زن جوانی را دنبال می‌کند که در عین حال یک فعال مدنی و اجتماعی است و از هنر به‌عنوان سلاحی برای بیان ظلم و ستمی که بر مردم فلسطین می‌رود استفاده می‌کند. تلاش یارا برای ایجاد تعادل بین نبرد برای آزادی فلسطین از چنگ اشغالگران و خواسته‌های هنرمندانه‌اش او را در غزه جنگ‌زده با چالش‌های سخت و دشواری روبه‌رو می‌کند. خانم آیدا کات بالسلو، کارگردان فیلم که خودش از فعالان اجتماعی و مدافع حق حیات فلسطینیان است، در رابطه با فیلم می‌گوید: «یارا برای صلح در سطح جهان و حقوق زنان فلسطینی مبارزه می‌کند. او باور دارد زنان فلسطینی در مقام همسر، دختر، مادر و خواهر حق زندگی کردن دارند و باید به‌صورتی طبیعی و مثل بقیه زنان دنیا، زندگی آرام و سعادتمندانه‌ای داشته باشند اما او در سرزمین‌های اشغالی با محدودیت‌ها و ممانعت‌های بسیاری روبه‌روست. هویت تارا از او گرفته شده و او برای موجودیت خودش می‌جنگد. یارا نمونه‌ای از یک زن فلسطینی است که در هر لحظه مشغول مقابله با محدودیت‌هاست و سر سازش با اشغال و اشغالگر را ندارد.»

زخم پنهان سکوت

«بی‌سروصدا» روایتی اجتماعی و تلخ از خشونت پنهان، سرکوب فردی و شکست‌های ناگفته شخصیت‌ها را به تصویر کشیده است





محمدرضا دلیر
منتقدسینما

«بی‌سروصدا» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی مجیدرضا مصطفوی و نویسندگی مهیار حمیدیان و مجیدرضا مصطفوی و با حضور پیمان معادی، فرشته حسینی، هانیه توسلی و مهران غفوریان، روایتی اجتماعی و تلخ از خشونت پنهان، سرکوب فردی و شکست‌های ناگفته شخصیت‌ها را به تصویر کشیده است. این فیلم اولین بار در چهل و هشتمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم سائوپائولو به نمایش درآمد و مورد تحسین قرار گرفت. بی‌سروصدا از چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت با روایتی واقعی از یک داستان ملتهب در سینماهای سراسر کشور اکران شد.

بی‌سروصدا داستان آدم‌هایی است که در لایه‌های مختلف اجتماع، زیر فشار سکوت، فرسایش و فروپاشی، به مرز انفجار نزدیک می‌شوند. فیلم به‌جای تکیه بر روایت خطی، بر حس، میزانسن و نشانه‌های بصری تمرکز دارد؛ جایی که واژه‌ها کم‌کم فراموش می‌شوند و زخم‌های خاموش، خودشان زبان پیدا می‌کنند.

سکوتی به اندازه یک فریاد

بی‌سروصدا اثری است درباره زوال و فرسایش انسان‌ها در دل جامعه‌ای بی‌صدا و بی‌پناه. خشونتی که نه فریاد دارد و نه خون، اما از هر زخمی عمیق‌تر است. مصطفوی با به‌کارگیری نمادهایی چون آتش و برف، تضاد میل به نابودی و انکار آن را تصویر می‌کند. الاغ‌ها به‌عنوان استعاره‌ای از مردم فرودست، نشانگر روند بهره‌کشی و حذف در ساختار اجتماعی هستند. آتش که ابتدا به‌عنوان ابزاری برای نابودی ملخ‌ها مطرح می‌شود، در پایان به تصویری از نابودی درونی شخصیت‌ها بدل می‌شود.

فیلم به‌جای پاسخ‌دادن، حس و حال شخصیت‌ها را منتقل می‌کند و روایتی کند و سکوت‌محور دارد، اما این سکوت هم در دل خود فریادی نهفته دارد. برخی صحنه‌ها از ریتم می‌افتند، اما این کندی در راستای فضای روانی اثر باقی می‌ماند.

بی‌سروصدا پر از دردهایی است که فریاد نمی‌شوند؛ تجربه‌ای بصری و مفهومی که در ظاهر ساده است اما لایه‌های پیچیده روانی دارد. در جهانی که سکوت هم ابزار خشونت است و هم نشانه قربانی بودن، این فیلم مثل زخمی است که با نور کم هم دیده می‌شود، اما تا مدت‌ها از ذهن تماشاگر پاک نمی‌شود.

استعاره‌های بصری بی‌سروصدا

این فیلم داستانی اجتماعی را روایت می‌کند که داستان روزمره مردم در جامعه ایران است و در آن پیمان معادی و مهران غفوریان در کنار هانیه توسلی ایفای نقش می‌کنند.

این فیلم تصویری است از دنیایی که سکوت نوعی خشونت محسوب می‌شود. سکوت و خشونتی که دیده نمی‌شود، اما عمیق‌تر و بلندتر از هر صدایی است و مانند یک زخم پنهان درون شخصیت‌ها و روابط انسانی است.

مصطفوی با استفاده از استعاره‌های بصری و مفهومی، سینمای اجتماعی ایران را از یک روایت خطی به فضایی پر از میزانسن و نشانه تبدیل می‌کند، شعله‌ای که خاموش نمی‌شود و رویایی که پیش از برآورده شدن به گور می‌رود.

در دورانی که بسیاری از فیلم‌ها به دنبال صدای بلند و جلوه‌های پرزرق و برق هستند، بی‌سروصدا به کارگردانی و تهیه‌کنندگی مجیدرضا مصطفوی اثری است که با سکوت، خشونت پنهان جامعه را فریاد می‌زند. فیلمی اجتماعی که نه‌تنها درونمایه‌ای تلخ و تأمل‌برانگیز دارد، بلکه از حیث ساختار، بازی‌ها و نگاه کارگردانی، یکی از برجسته‌ترین آثار سینمای ایران در سال‌های اخیر به شمار می‌رود.

بی‌سروصدا روایتی اجتماعی از انسان‌هایی است که در لایه‌های پنهان جامعه زندگی می‌کنند؛ انسان‌هایی که صدای‌شان شنیده نمی‌شود و در سکوت، درد می‌کشند. داستان فیلم به‌جای تمرکز بر یک گره روایی بزرگ، از دل زیست روزمره شخصیت‌ها می‌جوشد و به بازتاب چالش‌های فرهنگی، اقتصادی، اخلاقی و عاطفی جامعه امروز ایران می‌پردازد.

در این فیلم، مصطفوی با بهره‌گیری از استعاره‌های بصری پررنگ، فضایی شاعرانه و همزمان هولناک خلق می‌کند؛ از الاغ‌هایی که نماد انسان‌های بهره‌کشی شده‌اند تا آتشی که ابتدا وعده رهایی است و در پایان نماد نابودی و زوال. فیلم با تصویری از آتش و برف تمام می‌شود؛ تصویری که در عین تضاد، مکمل فضای معنایی فیلم است. برف، خاموش‌کننده شعله خشم و فروپاشی است و آتش، نماد شورشی بی‌صدا.

مجیدرضا مصطفوی به عنوان کارگردانی که با آثاری چون «انارهای نارس» و «آستیگمات»، خود را به عنوان فیلمسازی دغدغه‌مند و اجتماعی معرفی کرده بود، در بی‌سروصدا قدمی فراتر گذاشته و روایتی پیچیده‌تر و چندلایه‌تر ارائه داده است. برخلاف بسیاری از فیلم‌های اجتماعی که به بیان مستقیم معضلات اکتفا می‌کنند، مصطفوی از طریق فضاسازی، نمادپردازی و میزانسن‌های دقیق، تماشاگر را به درون جهان پر از تناقض شخصیت‌ها می‌کشاند. فیلم از ریتمی کند اما هدفمند برخوردار است؛ سکوت‌های طولانی، حرکت آهسته دوربین و انتخاب قاب‌هایی که شخصیت‌ها را در دل فضاهای تهی و بی‌روح قرار می‌دهد، همه و همه در خدمت خلق یک جهان است که خشونت در آن نجوا می‌شود، نه فریاد.

یکی از نقاط قوت اصلی فیلم، ترکیب متفاوت و غافلگیرکننده بازیگران است؛ ترکیبی از بازیگران باسابقه و چهره‌های نوظهور.

هیچ‌چیز تصادفی نیست

در بی سر و صدا هیچ چیز تصادفی نیست. همه چیز از قاب‌بندی‌ها تا رنگ‌ها و نمادهای بصری به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که معنایی فراتر از ظاهر دارند. «الاغ‌ها» نماد بهره‌کشی هستند؛ موجوداتی که تا وقتی مفیدند نگه داشته می‌شوند و سپس قربانی می‌شوند. «برف» نمادی از پوشاندن حقایق است؛ انجمادی که درد را زیر سطح نگه می‌دارد و «آتش»، شورشی که گاه راه نجات به نظر می‌رسد اما در نهایت، خود به نابودی می‌انجامد.

بی‌سروصدا فیلمی است از دل جامعه‌ای خسته، اما زنده. فیلمی که در دل سکوت، صداهایی می‌سازد که تا مغز استخوان نفوذ می‌کند. با وجود تمام موانع، این فیلم توانسته مسیرش را به جشنواره‌های معتبر جهانی باز و افتخاراتی را کسب کند که نشان از قدرت و عمق آن دارد.

اکنون بیش از هر زمان دیگری، سینمای ایران به فیلم‌هایی چون بی‌سروصدا نیاز دارد؛ فیلم‌هایی که نه‌تنها حقیقت را روایت می‌کنند، بلکه راهی برای گفت‌وگو و فهم متقابل می‌گشایند. اکران عمومی این فیلم می‌تواند قدمی به سوی بازگشت اعتماد به سینمای اجتماعی ایران باشد؛ سینمایی که در سکوت، از جهنمی حرف می‌زند که درون هر یک از ما ممکن است شعله‌ور باشد.

شمایل یک آدم شکست‌خورده

قهرمان بی‌سروصدا مرد میانسالی است که در شمایل یک آدم شکست‌خورده به معنای واقعی کلمه قابل تعریف است؛ دست به هر کاری زده با شکست و ناکامی روبه‌رو شده و این برایش دردآور است؛ در سکانسی همسرش-هانیه توسلی که شمایلش به فیلم «چراگریه نمی‌کنی؟» شبیه است- نیز اشاره به این قضیه دارد. مردی که باید به عنوان ستون خانواده قابل احترام باشد، همسرش او را به دیده تحقیر می‌نگرد و بسان یک آدم ناموفق از خود می‌راند و با خونسردی تمام این قضیه را به رویش می‌آورد. پسر نوجوانش نیز که در مرز بلوغ قرار دارد اصلا حرف او را قبول ندارد و راه خودش را می‌رود.

فیلم از نظر ساختاری می‌خواهد چند داستان را در امتداد هم و در خدمت خط روایی اصلی‌اش که شناخت مرد مرکزی است، پیش ببرد. خوشبختانه برخلاف برخی آثار شبه‌آوانگارد، فیلم ژست هنری ندارد، داستانش را می‌گوید و برای آن که کم نیاورد مدام تغییر فضا می‌دهد؛ از داستان پدر به پسر و از پسر به مادر و از مادر به سیرک و از سیرک به دامداری و درنهایت رجوع به پدر.

برش

سوءاستفاده از اعتماد

بی‌سروصدا بیش از آن که بخواهد اعتماد را به عنوان عاملی برای سوءاستفاده در جوامع مدرن، مطرح کند می‌گوید همچنان و با وجود همه کج‌فهمی‌ها هستند آدم‌هایی که با اعتماد به طرف مقابل زندگی می‌کنند و حتی اگر بارها از اعتمادشان سوءاستفاده شود باز آن‌قدر جان‌سخت هستند که از نو شروع کنند.

آن نگاه برفی پایانی کار به کعبه آمال- رستوران بین راهی نیمه‌کاره- یعنی همچنان می‌شود از نو شروع کرد و به‌جای گوشت الاغ، گوسفند و گوساله ذبح کرد و کباب زد. کشت ذرت، بیزینس قلیان و دامداری الاغ‌ها که به خنس خورد، می‌شود سر در آخور الاغ‌ها نکرد، همرنگ جماعت نشد، بر اصول ایستاد و جلو رفت.

سکانس حمله ملخ‌ها اجرایی درجه یک و سطح بالا دارد و تماشاگر را مشتاق تماشای یک فیلم ملتهب که قرار است با طرح موضوعی حساسیت برانگیز ذهن او را درچار چالش کند، نگه می‌دارد. اما مشکل دقیقا بعد از این سکانس اتفاق می‌افتد. فیلم به جای این که به التهاب سکانس آغازین اضافه کند و تماشاگر را به دل یک درام ملتهب ببرد، با طرح قصه‌ای نه چندان جذاب آب سردی بر پیکر او می‌ریزد و گیج و سردرگم از تماشای داستانی تکراری به بیرون از سالن سینما هدایت می‌کند.

بزرگ‌ترین آفت بی‌سروصدا، مضمون زدگی آن است. فیلم قرار است راوی داستان زندگی یک مرد ساده و خوب به نام سیامک باشد که توسط عده‌ای ریاکار و دروغگو محاصره شده است. نویسندگان در جای جای فیلم این مضمون را فریاد می‌زنند تا مبادا تماشاگر فراموش کند که دارد قصه یک مرد ساده و بی‌ریا به نام سیامک را تماشا می‌کند. هم مژگان همسرش به او می‌گوید ساده است و هم هر که از کنار او می‌گذرد. راننده محل نگهداری الاغ‌ها هم او و پسرش را افرادی بی‌سروصدا (بی‌عرضه) می‌داند که می‌شود به راحتی سر آنها شیره مالید. رفیع هم مدام روی این موضوع که سیامک در زندگی‌اش به جایی نرسیده تاکید دارد تا تماشاگر این مضمون گل درشت فیلم را فراموش نکند.

قاب



درخشش «پتیتک» در یونان

انیمیشن کوتاه «پتیتک» به کارگردانی نرگس ذاکری، به بخش مسابقه هشتمین جشنواره بین‌المللی انیمیشن لوتراکی یونان راه یافت. این اثر با موضوع فروپاشی روانی یک پیانیست و خلق اثر هنری، به همت مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی تولید و پخش شده است. پتیتک که نام خود را از یکی از سونات‌های بتهوون گرفته، نماینده ایران در رویدادی است که به نمایش آثار متنوع انیمیشن از سراسر جهان می‌پردازد. مراسم اختتامیه جشنواره لوتراکی ۱۳ تیرماه سال جاری در شهر لوتراکی یونان برگزار می‌شود.

رویداد



«پرتاب ۲» شهریورماه میزبان سینمای مستند می‌شود

دومین دوره رویداد ارائه طرح «پرتاب»، با هدف حمایت از سینمای مستند، شهریورماه امسال برگزار خواهد شد. این رویداد که با حضور تهیه‌کنندگان، سرمایه‌گذاران و کارگردانان سینمای مستند برپا می‌شود فرصتی برای ارائه طرح‌های جدید و جذب سرمایه برای تولید مستند فراهم می‌آورد. به نقل از روابط عمومی مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی، نخستین دوره «پرتاب» سال گذشته در شهریورماه برگزار شد که طی آن ۲۲ طرح مستند با حضور سرمایه‌گذاران داخلی بررسی شد. موفقیت دوره اول، راه را برای برگزاری دوره دوم در شهریورماه امسال هموار کرده است. علاقه‌مندان به ارائه طرح یا حمایت از تولید مستند در این رویداد، از جمله سرمایه‌گذاران، تهیه‌کنندگان و سینماگران باید منتظر انتشار فراخوان باشند. فراخوان این دوره به‌زودی از طریق وب‌سایت مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی به نشانی defc.ir منتشر خواهد شد.

اکران



تیزر داستانی «رویاشهر» برای اکران سیار منتشر شد

همزمان با ادامه اکران انیمیشن سینمایی «رویاشهر» به کارگردانی محسن عنایتی و تهیه‌کنندگی مصطفی حسن‌آبادی، تیزر داستانی ویژه اکران سیار این اثر منتشر شد. این تیزر به کارگردانی مهدی اولادوطن و توسط معاونت جریان‌سازی و ارتباطات سازمان سینمایی سوره تهیه شده است. در رویاشهر بازیگران کودک همچون سامیار برومند، امیررضا و مجتبی پوریعقوب، مریم جدیدی، محمد نوری، امیر میرخوشحال و اشکان نیک‌روش به ایفای نقش پرداخته‌اند. این تیزر با هدف تحقق شعار «سینما برای همه بچه‌های ایران» ساخته شده و خانواده‌ها و نهادهای فرهنگی می‌توانند از طریق سامانه «Esayar.ir» برای اکران سیار این انیمیشن در شهرهای فاقد سینما اقدام کنند. انیمیشن رویاشهر از سوم اردیبهشت در سینماهای کشور روی پرده رفته و تاکنون با جذب بیش از ۱۷۷ هزار مخاطب، به فروش ۱۱/۵ میلیارد تومانی دست یافته است. پخش این اثر بر عهده مؤسسه بهمن سبز است.